

تغییرات تحولی

Developmental Changes

تحول با تغییر همراه است. از دوران کودکی تا بزرگسالی، تغییراتی در نظام ادراکی به وقوع می‌پیوندد که چکیده‌های پژوهشی این شماره به برخی از آنها اختصاص یافته است. امید است مطالعه این پژوهش‌ها، به افزایش انگیزه‌های پژوهشی علاقه‌مندان این حوزه بیانجامد.

Ekas, N. V., Haltigan, J. D., & Messinger, D. S. (2013). The dynamic still-face effect: Do infants decrease bidding over time when parents are not responsive? *Developmental Psychology*, 49 (6), 1027-1035.

تأثیر چهره خنثی: آیا با گذشت زمان، نوزادان، والدینی را که پاسخگو نیستند، کمتر به سمت خود می‌خوانند؟

پارادایم چهره خنثی (SFP) به منظور ارزیابی انتظارات نوزادان از پاسخگو بودن والدین به پیام‌های ارتباطی آنها، طراحی شده است. در موقعیت چهره خنثی (SF)، والد تعامل برقرار نمی‌کند و چهره او حالت خنثی دارد. توصیف اولیه و کیفی از رفتار نوزاد در این موقعیت، نشانگر بروز تغییرات است: نوزادان، والد سرد را کمتر به سمت خود فرا می‌خوانند و از او فاصله می‌گیرند. نتایج به دست آمده مشخص ساخته‌اند که بین مقادیر میانگین رفتار نوزادان در موقعیت‌های SFP، تفاوت مشاهده می‌شود. با این حال، هنوز فرضیه تغییرات رفتار نوزاد در موقعیت SF به صورت تجربی مورد آزمون قرار نگرفته است. همچنین الگوی سلسله‌مراتبی خطی نشان داد که در موقعیت SF، خیره شدن نوزاد به والدین، لبخند زدن و به سمت خود خواندن آنها (لبخند زدن در حال خیره شدن به والدین) با گذشت زمان کاهش یافته در حالی که حالت گریه نوزاد، افزایش یافته است. تغییرات در رفتار نوزاد در موقعیت SF، با دلبستگی نوزاد و مشکلات درونی‌سازی شده او همبسته بود. چهره خنثی بر شروع تعامل نوزاد در مواجهه با والدین غیرپاسخگو اثر فعال دارد و می‌تواند تفاوت‌های فردی در مسیر تحول را پیش‌بینی کند.

Mani, N., Johnson, E., McQueen, J. M., & Huettig, F. (2013). How yellow is your banana? Toddlers' language-mediated visual search in referent-present tasks. *Developmental Psychology*, 49 (6), 1036-1044.

موز شما چقدر زرد است؟ نقش واسطه‌ای جست‌وجوی دیداری در زبان کودکان نوپا ضمن انجام تکالیف مرتبط با نمایش اشیا

برجستگی نسبی جنبه‌های مختلف معنای یک کلمه در تحول واژگان چیست؟ پژوهش حاضر به واریسی زمان بازیابی دانش معنایی و شناخت رنگ کلمه‌ها در خلال شناسایی آنها در کودکان نوپا پرداخته است. برای مثال، در چه زمانی کودکان با شنیدن کلمه‌های جفت‌شده با رنگ نظیر «موز» (معمولاً زرد) در مقایسه با کلمه‌های نامرتب (مانند خانه) به تصویر یک فنجان زرد توجه پیدا می‌کنند؟ آیا سرعت توجه کودکان به تصاویر کلمه‌های جفت‌شده با رنگ بیش از تصاویر کلمه‌های جفت‌شده با معنای آنهاست؟ برای مثال آیا کودکان با شنیدن کلمه «موز» با سرعت بیشتری به تصویری از یک شیرینی مربوط با فنجان زرد توجه می‌کنند؟ نتایج به دست آمده از بازنمایی تصویر-کلمه، کاملاً مؤید ترجیح اطلاعات معنایی در مقایسه با اطلاعات مرتبط با رنگ از سوی کودکان بود. این امر مشخص ساخت که حتی در مورد موضوع‌های طبیعی (مانند غذا و حیوانات که رنگ‌هایی مشخص دارند) نیز شناخت معنایی در مقایسه با شناخت رنگ جنبه برجسته‌تری از شناخت معنای کلمه در کودکان نوپا، محسوب می‌شود. بنابراین برای کودکان ۲۴ ماهه آلمانی، موز بیشتر خوراکی است تا زردرنگ.

Odic, D., Libertus, M. E., Feigenson, L., & Halberda, J. (2013). Developmental change in the acuity of approximate number and area representations. *Developmental Psychology*, 49 (6), 1103-1112.

تغییرات تحولی در دقت برآورد تعداد اشیا و حدود آنها

افراد از سنین بسیار پایین قادر به برآورد تعداد و سطح اشیا موجود در حوزه دید خود هستند. توانایی تمایز بین مقادیر تقریبی تعداد و مساحت، تا حد زیادی به نسبت این دو کمیت وابسته است و در این میان کسر وبر، دشوارترین نسبتی است که آزمودنی می‌تواند با اطمینان برای تشخیص این دو کمیت به کار برد. درحالی‌که در خصوص بهبود کسر وبر برای کمیت تعداد، اطلاعاتی در دست است، اما هنوز مسیر بهبود آن در کمیت سطح، در پرده ابهام است. در این پژوهش، تکالیف مربوط به کمیت‌های سطح و تعداد در ۴۰ کودک سه تا شش ساله مورد بررسی تحولی قرار گرفته‌اند. از میان مجموعه‌ای از نسبت‌های ارائه‌شده، شرکت‌کنندگان در پژوهش برای هر دو کمیت، بیشترین مقدار را انتخاب کردند. به منظور به دست آوردن کسر وبر برای هر دو کمیت تعداد و سطح در هر یک از آزمودنی‌ها و گروه‌های سنی پژوهش، از الگوهای روانی-بدنی استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان دادند که دقت در برآورد سطح نیز همانند تعداد، با افزایش سن بهبود می‌یابد. با این حال، افزایش منظم دقت در برآورد کمیت سطح در مقایسه با کمیت تعداد را می‌توان به تفاوت بالقوه‌ای نسبت داد که بین این دو کمیت در مکانیزم‌های زیربنایی رمزگذاری و/یا معرف دو کمیت تعداد و سطح وجود دارد. نتایج در چهارچوب پردازش مقادیر و تحول آنها مورد بحث قرار گرفت.

Hepach, R., Vaish, A., & Tomasello, M. (2013). Young children sympathize less in response to unjustified emotional distress. *Developmental Psychology*, 49 (6), 1132-1138.

هم‌احساسی کمتر کودکان خردسال نسبت به درماندگی هیجانی ناموجه

کودکانی سه ساله، بزرگسالی را مشاهده کردند که در مواجهه با سه موقعیت متفاوت، درماندگی کاملاً مشابهی را نشان می‌داد. این سه موقعیت شامل: (۱) درماندگی بزرگسال متناسب با یک آسیب واقعی بوده، (۲) درماندگی بزرگسال واکنش افراطی به یک مشکل جزئی بود، (۳) هیچ دلیل واضحی برای درماندگی بزرگسال وجود نداشت. کودکانی که شاهد درماندگی متناسب با موقعیت در فرد بزرگسال بودند، نگران او شدند و به دفاع از او مداخله کردند و مراقب بودند که آیا درماندگی او همچنان ادامه خواهد داشت. کودکانی هم که علت درماندگی فرد بزرگسال را نمی‌فهمیدند، رفتاری مشابه با آنچه شرح داده شد، نشان می‌دادند. اما کودکانی که شاهد واکنش افراطی فرد بزرگسال نسبت به مشکلی جزئی بودند، به میزان کمتر مداخله می‌کردند و مراقب او بودند. میزان نگرانی کودکان در خلال موقعیت‌ها، با رفتار یاری‌دهنده بعدی آنها نسبت به بزرگسال همبستگی داشت. این نتایج نشانگر آن بودند که هم‌احساسی و رفتارهای جامعه‌پسند در سنین آغازین کودکی، پاسخ‌های خودکار به تظاهرات هیجانی نیستند، بلکه موجه بودن درماندگی ابرازشده نیز برای آنها مطرح است.

ترجمه زهره صیادپور

دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران جنوب